

شگفتی های طبیعت

بدانکه هر چه در وجود است ، همه صنع خدای تعالی است. آسمان و آفتاب و ماه و ستارگان و زمین و آنچه در کوه هاست از جواهر و معاون ، و آنچه بر روی زمین است از انواع نباتات ، و آنچه در برو بحر است از انواع حیوانات ، و آنچه میان آسمان و زمین است چون میغ و باران و برف و تگرگ و رعد و برق و قوس قزح و علاماتی که در هوا پدید آید ، همه آیات حق تعالی است که ترا فرموده است تا در آن نظر کنی. در زمین نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است و جوانب وی فراخ گسترانیده و از زیر سنگ های سخت آب های لطیف روان کرده تا بر روی زمین می رود و به تدریج بیرون می آید ، و در وقت بهار بنگر و تفکر کن که روی زمین همه خاک کثیف باشد ، چون باران بروی آید ، چگونه زنده شود و چون دیبای هفت رنگ گردد ، بلکه هزار رنگ شود. تفکر کن در آن نبات ها که پدید آید و در آن شگوفه ها و گل ها هر یکی به رنگی دیگر ، هر یکی از دیگری زیباتر. پس در درختان و میوه های آن تفکر کن و جمال و صورت هر یکی و بوی و منفعت هر یکی ، بلکه آن گیاه ها که تو آن را نام کمتر دانی و عجایب منفعتها در وی تعبیه چون کرده اند : یکی تلخ و یکی شیرین ، یکی خشک و یکی نرم ، یکی خواب آورد یکی خواب ببر ، یکی غذای ستوران و یکی غذای مرغان.

جانورانند بر روی زمین که بعضی می روند و برخی می پرند و بعضی می خزند و بعضی به دو پا می شوند و بعضی به چهار پای و بعضی به شکم و بعضی به پاهای بسیار و نگاه کن مرغان هوا و حشرات زمین را ، هر یکی بر شکلی دیگر و بر صورتی دیگر و همه از یکدیگر نیکوتر ، هر یکی را آنچه به کار باید داده و هر یکی را بیاموخته که غذای خویش چون به دست آورد و بچه را چون نگاه دارد تا بزرگ شود و آشیان

خویش چون کند.

فرہنگ

شگفتی : عجوبہ، عجیب چیز	طبیعت : قدرت، فطرت
شگفتی های طبیعت : عجائب فطرت	بدانکہ : جان لوکہ
جواہر : جمع جوہر، قیمتی پتھر	بَر : خشکی
معادن : جمع معدن، کانیں	انواع : جمع نوع، اقسام
بحر : سمندر	میغ : بادل، ابر
تگرگ : اولے، ژالہ	رعد : بادلوں کی گرج، بجلی کی کڑک
ہوا : فضا	پدید آمدن : ظاہر ہونا
آیات : جمع آیت، نشانی	بساط : پچھونا، فرش
جوانب : جمع جانب، اطراف	فراخ : کشادہ، وسیع و عریض
گسترانیدن : پھیلا نا	بہ تدریج : درجہ بہ درجہ
تفکر : سوچ، فکر	دیبا : ریشم
جمال : خوبصورتی	بوی : خوشبو
متقعت : فائدہ	عجایب : جمع عجیب
چون : کس طرح، جب	خواب آوردن : نیند لانا
خواب بُردن : نیند اڑالے جانا	سُتوران : جمع ستور، موسیقی، چوپائے
بر روی زمین : روئے زمین پر، سطح زمین پر	برخ : کچھ، حصہ، بعض
پریدن : اڑنا	حشرات : جمع حشرہ، کیڑے مکوڑے

خزیدن : ریختن بہ دو پا شدن : دو پاؤں پر چلنا

نباتات : جمع نبات : پودے، جڑی بوٹیاں، درخت وغیرہ

آنچه بہ کار باید داده : جیسا کام سونپنا چاہیے، سپرد کرنا

قوس قزح : بارش کے بعد کبھی آسمان پر رنگدار قوس نمودار ہوتی ہے۔ اس کا سبب یہ ہوتا ہے کہ سورج کی شعاعیں جب بارش کے فضائی قطرات میں سے گزرتی ہیں تو سورج کی روشنی سات رنگوں میں بکھر جاتی ہے۔

تمرین

۱- فارسی میں جواب دیجیے۔

۱- غزالی کیست ؟

۲- این درس از چه کتابی نقل شده است ؟

۳- نویسنده چه چیز را بہ دیبای ہفت رنگ تشبیہ کردہ است ؟

۴- نویسنده می خواہد کہ در چه چیز ہائی تفکر کنیم ؟

۵- نویسنده می خواہد کہ ما از این تفکر چه نتیجہ ای بگیریم ؟

۲- نیچے دیے ہوئے الفاظ میں سے ہم معنی الفاظ تلاش کر کے آمنے سامنے لکھیں :

سریر ، بحر ، میغ ، دریا ، فردوس ، اختر ، بہشت ، ستارہ ، تخت ، ابر

۳- ان الفاظ پر اعراب لگائیے اور ان کے واحد بتائیے :

جواہر ، معاون ، انواع ، جوانب ، عجائب ، اجسام

۴- درس میں سے ایسے الفاظ تلاش کیجیے جن کی جمع ”ات“ لگا کر بنائی گئی ہے۔ اور ان کے واحد لکھیے۔

۵- عجائب قدرت کے بارے میں ایک مختصر مضمون سادہ فارسی میں لکھیں۔